

نقد روش‌شناسی پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی (موردپژوهی)

علیرضا شیرزاد^۱

چکیده

امروزه در جهان اسلام، آثار گوناگونی در مورد روان‌شناسی اسلامی، تولید و منتشر شده است که در بیشتر این آثار، تلاش محققان بر این بوده است تا محتوای روان‌شناختی را از آیات و روایات استخراج کنند. پژوهش حاضر با هدف معرفی، نقد و بررسی کتب پژوهشگران و اندیشمندان ایران و جهان عرب درباره روان‌شناسی اسلامی نگارش یافته است؛ به‌همین دلیل با روش توصیفی - انتقادی و بارویکرد موردپژوهی، برخی کتاب‌های اندیشمندان ایرانی و آثار اندیشمندان جهان عرب از نظر روش و محتوا مورد مذاقه و بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که غالب کتب نگاشته‌شده درباره روان‌شناسی اسلامی، فقط به کشف محتوای روان‌شناختی از قرآن کریم و روایات اسلامی پرداخته‌اند که علاوه بر عمیق‌نبودن برخی برداشت‌ها و تفسیرها، بخش قابل توجهی از این یافته‌های روان‌شناختی نیز به تطبیق میان نظریات علم روان‌شناسی معاصر با آیات روان‌شناختی قرآن کریم پرداخته‌اند. همچنین به‌ندرت آثاری دیده شده که به روش‌های فهم روان‌شناختی متون دینی خصوصاً قرآن کریم اشاره کرده است. البته بیشتر این پژوهشگران در آثار خویش به روش کشف آیات و روایات روان‌شناختی و نیز طریقه برداشت خود از چنین متون دینی پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: نقد کتاب، روش‌شناسی، روان‌شناسی اسلامی، تفسیر قرآن، روایات اسلامی.

۱. محقق حوزه علمیه و دانش‌آموخته دکتری دانشگاه معارف اسلامی قم (ashirzad125@gmail.com).

مقدمه

در میان آثار اندیشمندان جهان اسلام، آثار متعددی دیده می‌شود که با نگاه روان‌شناختی به منابع اسلامی نگریسته و مفاهیم روان‌شناختی بسیاری را از قرآن کریم و روایات اسلامی استخراج کرده‌اند. ریشه‌های چنین مطالعاتی را می‌توان در رویکرد علمی برخی مفسران به قرآن کریم و استخراج آیاتی که به اعجاز علمی قرآن اشاره دارند، یافت. وجود آیات متعدد درباره علوم تجربی، قرآن پژوهان را به این مسیر رهنمون می‌سازد که می‌توان از برخی آیات قرآن کریم، مطالبی درباره علوم انسانی نیز برداشت کرد.

در این باره با توجه به اینکه علم روان‌شناسی به بررسی ذهن و رفتارهای انسان می‌پردازد و از سویی قرآن کریم نیز موضوعش هدایت انسان‌هاست، تقارب محتوایی فراوانی میان آنها می‌توان یافت؛ به همین دلیل محققانی که متخصص روان‌شناسی‌اند، در سراسر جهان اسلام وارد قرآن کریم و البته روایات اسلامی شده‌اند تا بتوانند یافته‌های جدیدی از قرآن کریم درباره روان‌شناسی برداشت نمایند. همچنین چه بسیار روایاتی که به حالات روان‌شناختی انسان اشاره داشته و موضوع پژوهش چنین محققانی قرار گرفته است. در نتیجه مجموع چنین تلاش‌هایی در متون دینی را می‌توان با هدف رشد روان‌شناسی اسلامی در میان اندیشمندان جهان اسلام عنوان کرد.

از سوی دیگر مطالعات میان رشته‌ای علوم انسانی و قرآن کریم نیز رشد فراوانی در میان اندیشمندان سراسر دنیا دارد که مطالعات اسلام و روان‌شناسی در همین مسیر قابل تبیین است.

براین اساس در نوشتار حاضر، تعدادی از معروف‌ترین کتب روان‌شناسی اسلامی مورد معرفی و نقد و نظر قرار گرفته و پس از آن به بحث و نتیجه‌گیری کلی درباره آنها پرداخته شده است.



۱. مورد پژوهی آثار اندیشمندان ایرانی

اندیشمندان ایرانی، کتب متعددی درباره روان‌شناسی اسلامی نگاشته‌اند که بخشی در قرآن کریم و بخشی در احادیث به بررسی و استنتاج یافته‌های روان‌شناختی پرداخته‌اند. در ادامه برخی از مهم‌ترین و مرتبط‌ترین آرای قرآن‌پژوهان ایرانی در مورد فهم آیات روان‌شناختی اشاره و بررسی خواهند شد.

۱.۱. کتاب «اسلام و روان‌شناسی»

کتاب **اسلام و روان‌شناسی** به وسیله محمد آل اسحاق خوئینی تألیف شده است. این کتاب یکی از قدیمی‌ترین پژوهش‌ها در حوزه روان‌شناسی اسلامی در ایران است که با رویکرد تقابلی و نقادانه میان نظریات روان‌شناسی غربی و روان‌شناسی اسلامی نگاشته شده است. در پژوهش حاضر به مباحثی همچون روش تربیت در غرب و اسلام، تشویق و تنبیه، ترس و اضطراب، عقل و خرد، امراض هوش، تشخیص استعدادها، عقده‌های روانی، وسواس و بازسازی شخصیت اشاره شده است.

در بخشی از کتاب، پژوهشگر چهارده مورد را به عنوان غرایز انسان برمی‌شمرد: خودخواهی، زیباپسندی، کنجکاوی، سپاسگزاری، کمال‌جویی، بیم، امید، غریزه جنسی، گرسنگی، تشنگی، غریزه انس، برتری‌جویی و صیانت نفس (آل اسحاق خوئینی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۴).

مؤلف در بخش دیگر کتاب به مقوله شخصیت اشاره می‌کند و آن را متأثر از محیط و نیروهای درونی انسان خصوصاً خودخواهی می‌داند. از آنجاکه خودخواهی نخستین غریزه انسان است که در زندگی کودک تبلور می‌یابد، این‌گونه نتیجه می‌شود که کودکان دارای شخصیت‌اند. همچنین به نظرات اسلام در باب شخصیت کودک اشاره می‌شود و محقق بیان می‌دارد که اسلام به کودک، شخصیتی معادل شخصیت ائمه معصوم^{علیهم‌السلام} داده و به کودک

اجازه می‌دهد در ملاقات و زیارت با خداوند در نماز جماعت شرکت کند و در صف بزرگان بایستد (همان، ص ۲۷۸).

نقد و بررسی: یکی از ویژگی‌های متمایز کتاب مذکور نسبت به بسیاری از کتب مرتبط، پرداختن به روش تحقیق در روان‌شناسی اسلامی و موضوع روان‌شناسی اسلامی است که اگرچه بسیار موجز می‌باشد و نقدهایی نیز به موارد ذکر شده وارد است. ولی توجه به این مباحث ضروری از جانب مؤلف، قابل تحسین است.

مؤلف موضوع روان‌شناسی غربی را رفتار انسان و موضوع روان‌شناسی اسلامی را فطرت و ابعاد بیست‌گانه انسان می‌داند و به جهت اینکه رفتار انسان از محیط سرچشمه می‌گیرد و محیط نیز قابل تغییر است، نتیجه می‌گیرد که علم روان‌شناسی غربی علمی دگرگون‌پذیر می‌باشد؛ برخلاف روان‌شناسی اسلامی که ثابت است (همان، ص ۲۴).

این مطلب از جهاتی قابل خدشه است؛ زیرا روان‌شناسی غربی نیز رفتار انسان را علاوه بر محیط، متأثر از وراثت می‌داند. البته تغییر رفتار ناشی از وراثت، غیرممکن یا بسیار دشوار است. از سوی دیگر برخی ابعاد بیست‌گانه فطرت همچون غریزه، هوش، عواطف و ادراکات که در پژوهش‌های مؤلف مطرح می‌گردد، در روان‌شناسی غربی نیز به آنها پرداخته شده است.

آنچه در برخی موارد در این نوع نقدها دیده می‌شود، خلط میان برداشت بشری از قرآن کریم و خود آیات قرآن است؛ زیرا احتمال تغییر در برداشت بشر از آیات قرآن کریم در موارد استفاده از ظهور آیه وجود دارد یا آنکه ممکن است برداشتی عمیق‌تر از آن برای مفسری دیگر اتفاق افتد، هرچند با برداشت اولیه متضاد نباشد و حال آنکه این آیات قرآن است که صحت آنها به دلیل اتصال به منبع وحی، قطعی است.

همچنین پژوهشگر در جایی دیگر، از تحقیق دانشمندان علم روان‌شناسی بر حیواناتی همچون موش و خرگوش و تسری این تحقیقات به انسان‌ها انتقاد می‌کند و آن را خلاف



شرافت انسانی و ارزش‌های والا دانسته است (همان، ص ۱۸). این امر نیز عموماً به دلیل وجود محدودیت‌هایی در مورد آزمایش‌های تجربی است که در علم پزشکی نیز به همین صورت است. برای اثبات فرضیه‌های علمی در مراحل اولیه، آن را بر روی برخی حیوانات آزمایش می‌کنند و در صورت پاسخ‌دهی مناسب، آزمایش‌های تجربی بر روی انسان نیز انجام می‌شود. البته آنچه در روش پژوهش معاصر خطاست، اکتفا به آزمایش‌های حیوانی و تسری نتایج آن به انسان‌هاست.

۱-۲. کتاب «قرآن و بهداشت روان»

کتاب **قرآن و بهداشت روان**، عنوان کتابی است که به وسیله احمد صادقیان نگاشته شده است. نویسنده معتقد است در قرآن کریم در مورد بهداشت روان و راه‌های تأمین آن مطالب بسیاری هست که کتاب مذکور در جست‌وجوی بخشی از آنهاست؛ به همین منظور موضوعاتی همچون نقش اعتقادات در بهداشت روان، بهداشت روانی در خانواده، نقش روابط اجتماعی و نقش مسائل اقتصادی در بهداشت روان، از منظر آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در بخشی از کتاب که به موضوع بهداشت روانی در خانواده می‌پردازد، مؤلف با توجه به آیه «... وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» و با آنان به‌طور شایسته رفتار کنید» (نساء: ۱۹)، حُسن معاشرت با همسران را سبب تأمین بهداشت روانی در خانواده دانسته است. در همین راستا ابراز محبت و تشکر اعضای خانواده از یکدیگر که یکی از مصادیق معاشرت نیکوست، می‌تواند سبب افزایش اعتماد به نفس و تقویت عواطف مثبت گردد (صادقیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲).

همچنین در بخش دیگر کتاب، به نقش مدیریتی مرد در خانواده به دلیل غالب بودن قدرت تفکر مردان بر احساسات‌شان نسبت به زنان و نیز آثار روان‌شناختی این مدیریت

اشاره کرده است. مؤلف در ادامه با استفاده روان‌شناختی از آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...: مردان، سرپرست زنان‌اند، به‌خاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به‌خاطر انفاق‌هایی که از اموال‌شان [در مورد زنان] می‌کنند» (نساء: ۳۴)، بیان می‌دارد که سلامت خانواده در گرو مدیریت مرد، تأمین زندگی ازسوی او و اطاعت و حفظ حقوق شوهر از جانب زن می‌باشد. همچنین به‌دلیل آنکه در ادامه آیه به مسئله تعارضات زناشویی اشاره شده است، روشن می‌شود که قانون مدیریت مردان بر خانواده، برای جلوگیری از اختلافات و به‌خطراتادن سلامت خانواده است (همان، ص ۱۱۵).

همچنین پژوهشگر با توجه به آیات «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِی صَغِيرًا: و پروردگارت فرمان داده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو یا هر دو آنها نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو * و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر آنان فرود آر و بگو: پروردگارا! همان‌گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمت‌شان قرار ده» (اسراء: ۲۳-۲۴)، به مسئله بهداشت روان در سالخوردگی اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که به‌دلیل احساس ناامنی، تنهایی و از دست‌دادن مقام اجتماعی در این سن به‌جهت بازنشستگی، نباید آنان تصور کنند دیگر به آنها نیازی نیست و برای آنها اهمیتی قائل نیستند (همان، ص ۱۳۰).

نقد و بررسی: در پژوهش مذکور برداشت‌های روان‌شناختی متعددی از آیات ارائه شده است که گرچه برخی برداشت‌های سطحی از آیات روان‌شناختی نیز به‌دید می‌آید، ولی مؤلف از برخی تفاسیر همچون **تفسیر نمونه** و راهنما نیز برای تبیین و



تفسیر آیات استفاده کرده است. نمونه این استفاده از آرای دیگر مفسران در تفسیر «آیه قوامیت» قابل مشاهده است.

از سوی دیگر پرداختن به فرآیند اثر یک مفهوم اسلامی بر بهداشت روان با استفاده از یافته‌های علم روان‌شناسی، از نکات مهم این کتاب است که نمونه‌های آن را در سازوکار تأثیر صله رحم در بهداشت روانی (همان، ص ۱۳۵) و فرآیند تأثیر شوخی و مزاح در بهداشت روانی (همان، ص ۲۰۹) می‌توان دید.

افزون بر این استفاده از روایات اهل بیت علیهم‌السلام در تبیین برخی آموزه‌های روان‌شناختی قرآن کریم نیز از دیگر ویژگی‌های کتاب مذکور است که در تبیین روان‌شناختی پژوهشگر نسبت به موضوع «نشوز» در قرآن قابل مشاهده است (همان، ص ۱۵۵).

البته از این نکته نمی‌توان چشم پوشید که باتوجه به اینکه در بسیاری از موضوعات روان‌شناختی کتاب به آیات قرآن کریم اشاره‌ای نشده و از روایات استفاده شده است و شایسته‌تر بود که عنوان کتاب از «قرآن و بهداشت روان» به «اسلام و بهداشت روان» تغییر می‌کرد.

۱-۳. کتاب «روان‌شناسی در قرآن و حدیث»

کتاب **روان‌شناسی در قرآن و حدیث**، عنوان کتابی است که به وسیله محمدصادق شجاعی در دو مجلد نگاشته شده است. این کتاب که یکی از جدیدترین پژوهش‌ها در حوزه روان‌شناسی اسلامی است، حاوی بسیاری از آیات و احادیث روان‌شناختی است که می‌تواند به مثابه دائرةالمعارف برای محققان این حوزه قابل استفاده باشد. پژوهشگر در کتاب، علاوه بر پرداختن به مبانی نظری روان‌شناسی در قرآن و حدیث و تاریخچه پژوهش‌های مرتبط، به مباحثی همچون انگیزش و فرآیندهای مؤثر در رفتار، رشد، یادگیری، عواطف و هیجان و روان‌شناسی اجتماعی از منظر قرآن کریم و حدیث اشاره کرده است.

یکی از فصول کتاب، احساس و ادراک است که در آن به مبحث خطاهای ادراکی اشاره و پژوهشگر بر اساس آیه «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِهْتَهُ هَوَاهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَ فَلَآ تَذَكَّرُونَ: آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده‌ای افکنده است؟! باین حال چه کسی می‌تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟» (جائیه: ۲۳)، هوای نفس را منشأ انواع خطاهای ادراکی دانسته است (شجاعی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۸۱).

همچنین در یکی از فصول کتاب به آسیب‌شناسی روانی در قرآن و حدیث اشاره و افراط و تفریط، غیرمتعارف بودن، انسجام‌نیافتگی، غیرمنطقی و غیرعقلایی بودن و نیز دوری از فطرت را به‌عنوان ملاک‌های نابهنجاری در آیات و روایات ذکر کرده است (همان، ج ۲، ص ۱۵۲).

ازسوی دیگر مشاهده می‌شود که در کتاب به مبحث شخصیت و انواع آن پرداخته شده و پژوهشگر دو نوع الگوی تیپ‌شناسی را از منظر آیات و روایات استخراج کرده است. الگوی تیپ‌شناسی اعتقادی شامل تیپ‌های مؤمنان، کافران و منافقان و الگوی تیپ‌شناسی مبتنی بر قوای نفس شامل تیپ‌های بهیمی، سبعی، شیطانی و ربانی است (همان، صص ۲۰۲ و ۲۰۸).

نقد و بررسی: کتاب **روان‌شناسی در قرآن و حدیث** را باید از کتبی دانست که پژوهشگر در آن به‌صورت فراگیر به بررسی آیات و روایات فراوانی در حوزه روان‌شناسی اسلامی پرداخته است.

همچنین از بررسی محتوای کتاب می‌توان پی برد که پژوهشگر ابتدا آیات و روایات مرتبط با موضوعات و کلیدواژگان روان‌شناسی را واکاوی کرده و پس از کشف آیات و روایات مرتبط، به بررسی و تحلیل یافته‌ها پرداخته است و ذیل موضوعات متنوع



روان‌شناختی از آنها استفاده کرده است. البته این بهره‌بردن از متون اسلامی در موارد بسیاری به صورت سطحی و فاقد نگاه عمیق و تفسیری بوده و گویا مؤلف درصدد اثبات وجود یک مفهوم روان‌شناسی در منابع اسلامی بوده است.

یکی از ویژگی‌های متمایز کتاب مذکور، پرداختن هرچند مختصر به بحث روش پژوهش در قرآن کریم و حدیث می‌باشد که البته مباحث روش تحقیقی بیان شده همچون قیاس، استقراء و مشاهده، به صورت کلی بوده و به صورت دقیق ناظر به برداشت‌های روان‌شناختی ذکر نشده است (همان، ج ۱، ص ۱۶).

افزون‌براین پژوهشگر در مبحث «رشد» در دوران کودکی تا میانسالی به هیچ‌آیه‌ای از قرآن اشاره نکرده است و در دوران کودکی نیز عموماً به آیاتی پرداخته شده است که به رشد جسمی جنین اشاره می‌کنند (همان، ص ۱۴۴). چنین رویکردی به مسئله رشد در دوران نونهالی، نوجوانی و جوانی در برخی پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی، نشان از توجه صرف به آیاتی است که به صورت مستقیم به کلیدواژگان یا مفاهیم روان‌شناسی پرداخته‌اند و حال آنکه از برخی آیات قرآن کریم نیز همچون نحوه تعامل حضرت یعقوب علیه السلام با فرزندان و نحوه تعامل حضرت ابراهیم علیه السلام با حضرت اسماعیل علیه السلام در قرآن کریم می‌توان برای مراحل رشد برداشت‌های روان‌شناختی داشت؛ اگرچه آیات مذکور حاوی مفاهیم روان‌شناسی نباشند.

نقد دیگری که به کتاب مذکور می‌توان وارد کرد، پرداختن به مباحث غیرضروری و به تبع آن اشاره به آیات بسیاری است که از آنها برداشت روان‌شناختی صورت نمی‌گیرد؛ برای نمونه در فصل احساس و ادراک، به حس بینایی و تأثیر نور در دیدن اشیا اشاره شده و آیاتی از قرآن کریم ذکر شده است که به نورانی‌بودن خورشید و ماه و وجود رعد و برق در آسمان اشاره دارند (همان، ص ۶۱)، حال آنکه شایسته است در استفاده‌های روان‌شناختی از قرآن، مطالب جدید و کاربردی‌تری را از آیات الهی برای اندیشمندان دنیا به‌ارمغان آورد.



۱-۴. کتاب «روان‌شناسی در قرآن؛ مفاهیم و آموزه‌ها»

کتاب **روان‌شناسی در قرآن؛ مفاهیم و آموزه‌ها**، عنوان کتابی است که توسط محمد کاویانی نگاشته شده است. مؤلف در این کتاب علاوه بر پرداختن به موضوعاتی همچون رشد، احساس و ادراک، انگیزش و سلامت روان از منظر قرآن و روان‌شناسی معاصر، به برخی گرایش‌های دانش روان‌شناسی همچون روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی مثبت نیز پرداخته و آنها را از منظر قرآن و احادیث بررسی کرده است.

محقق در آغاز به برخی مباحث مقدماتی می‌پردازد و روان‌شناسی در رهیافت قرآنی را این‌گونه تعریف می‌کند:

شاخه‌ای معرفتی است که به توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل رفتار و فرآیندهای ذهنی انسان به‌عنوان مخلوق الهی در ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی با استفاده از منابع و روش‌های تجربی، عقلی و وحیانی می‌پردازد (کاویانی، ۱۳۹۳، ص ۳).

پژوهشگر در مباحث ابتدایی، به دو تغییر در روان‌شناسی اسلامی نسبت به روان‌شناسی معاصر اشاره کرده است. وی تغییر نخست را تعمیم نامیده که در این نوع از تغییر، برخی مفاهیم همچون نفس، روح، قلب، معادباوری و ایمان به روان‌شناسی اسلامی اضافه شده است. از سوی دیگر بررسی برخی مفاهیم روان‌شناسی معاصر از منظری جدید، نوع دوم از تغییرات ایجاد شده در روان‌شناسی اسلامی است (همان، ص ۵).

در بخش دیگری از کتاب، پژوهشگر به مبحث فراشناخت در قرآن کریم اشاره کرده و پس از آنکه فراشناخت را به‌معنای آگاهی فرد بر نظام روان‌شناختی خود و کنترل و هدایت آن دانسته است، مواردی را نیز به‌عنوان مصادیق فراشناخت در قرآن کریم معرفی می‌کند؛ برای نمونه «توبه» از دستوراتی است که لازمه‌اش مرور گذشته و ایجاد تجربه از نوع فراشناخت می‌باشد (همان، ص ۸۰-۸۱).

همچنین مؤلف انگیزه را به دو نوع ذاتی و اکتسابی تقسیم می‌کند و قرآن کریم را نیز



موافق آن دانسته است. از نظر وی انگیزه ذاتی، انگیزه‌ای است که در همه افراد و تقریباً به صورتی مشابه وجود دارد که مرتبط با فطرت و غریزه آدمی است. توصیف قرآن از جایگاه متقین در بهشت و آنچه از مأكولات و مشروبات به آنها وعده داده شده است، نمونه‌هایی از این نوع انگیزه در قرآن کریم می‌باشد.

انگیزه اکتسابی تحت تأثیر عوامل متعدد بیرونی و درونی متفاوت شده و افراد ممکن است در آن انگیزه‌ها حتی با یکدیگر متضاد باشند. انگیزه اکتسابی در قرآن کریم همان اموری است که قرآن انسان را تشویق می‌کند که به صورت ارادی در خود به وجود آورد (همان، صص ۹۱ و ۹۳).

همچنین در فصل روان‌شناسی اجتماعی به مبحث تغییر نگرش اشاره شده است که مؤلف مواردی را به عنوان روش‌های شکل‌دهی نگرش و تغییر آن از منظر متون اسلامی پیشنهاد کرده است. روش تکرار به خصوص در دوران کودکی، روش الگودهی که مبتنی بر مشاهده است، تفکر و استدلال و نیز توجه‌دادن به پیامدهای رفتار انسان، نمونه‌هایی از آن روش‌هاست (همان، صص ۱۸۴-۱۸۵).

نقد و بررسی: بیان مباحث مقدماتی ولی ضروری همچون پرداختن به مبانی، مسائل و موضوعات روان‌شناسی از نگاه قرآن کریم، اگرچه به صورت مختصر بیان شده است، ولی از نکات مهم این کتاب می‌باشد که در بسیاری از کتب مشابه آن دیده نمی‌شود. از سوی دیگر وجود آیات روان‌شناختی بسیار در کتاب و نیز پرداختن به روان‌شناسی مثبت به عنوان یکی از گرایش‌های نزدیک به روان‌شناسی اسلامی در غرب، از ویژگی‌هایی است که در پژوهش‌های بعدی از آنها می‌توان بهره برد.

البته پژوهشگر به روش تحقیق و روش برداشت روان‌شناختی خود از آیات قرآن کریم اشاره نکرده است، ولی آنچه به عنوان شیوه مؤلف از این کتاب می‌توان برداشت کرد اینکه پژوهشگر ابتدا آیاتی را که از آنها استفاده‌های روان‌شناختی می‌توان کرد، از قرآن کریم

جمع‌آوری نموده و بر اساس کلیدواژه‌ها و عناوین موجود در روان‌شناسی معاصر و نیز برخی عناوین جدید که در روان‌شناسی معاصر وجود ندارد، آنها را طبقه‌بندی کرده و سپس تبیین‌های مختصری را برای آیات روان‌شناختی بیان نموده است. البته در موارد متعددی تبیین‌های عمیق و تفسیری از آیات قرآن به‌دید نمی‌آید.

افزون‌براین مؤلف در موارد بسیاری از روایات غیرتفسیری نیز در کتاب خود استفاده کرده و حتی در برخی عناوین روان‌شناختی، از هیچ‌آیه قرآن کریم استفاده نکرده است، حال آنکه اگر عنوانی روان‌شناختی وجود داشته که در قرآن کریم بدان اشاره نشده است، آوردن آن در کتاب مذکور باتوجه به نام کتاب - روان‌شناسی در قرآن - صحیح نیست.

یکی از رویکردهای مؤلف که در برخی عناوین بیشتر دیده می‌شود، نگاه اثبات‌گرایانه نسبت به وجود روان‌شناسی قرآنی است؛ به‌همین دلیل مشاهده می‌شود که در روشن‌ترین مسائل روان‌شناختی همچون انگیزه خوردن و آشامیدن و انگیزه تنفس، آیات مرتبط با آن ذکر شده است، در صورتی که آنچه پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی و مردم جامعه از روان‌شناسی اسلامی انتظار دارند، بررسی عمیق - و البته نه سطحی - از مفاهیم روان‌شناختی در قرآن کریم و اشاره بیشتر به مباحث کاربردی است.

ازسوی‌دیگر در برخی مباحث کتاب، مؤلف کوشیده است برخی آیات قرآن کریم را با موضوعات روان‌شناختی مرتبط بداند که البته تبیینی قانع‌کننده به‌جهت اثبات این ارتباط ضروری است؛ برای نمونه در فصل رشد از دیدگاه قرآن کریم، مؤلف بر اساس برخی آیات، موارد ذیل را از شرایط و مقدمات رشد متعالی دانسته است:

۱. تدبیرکردن و استفاده درست از عقل بر اساس آیه «کتاباً أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ: این کتابی است پُربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبیر کنند و خردمندان متذکر شوند» (ص: ۲۹).

۲. در جست‌وجوی خداوندبودن و ایمان به او بر اساس آیه «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي



فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دُعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ: و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند [بگو] من نزدیکم! دعای دعاکننده را به‌هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند» (بقره: ۱۸۶).

۳. سبقت‌گرفتن از دیگران در امور خیر بر اساس آیه «و سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ: و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن، آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزگاران آماده شده است» (آل‌عمران: ۱۳۳/ کاویانی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۱-۱۳۲).

اما در موارد ذکرشده نه‌تنها تبیین کافی از این ارتباطها بیان نشده است، بلکه این نوع بهره‌برداری روان‌شناختی از آیات قرآن کریم که به ادنی مناسبتی، آیات را ذیل یک عنوان روان‌شناختی دسته‌بندی کنیم، گشودن بابی است که بسته آن میسور نیست. نمونه دیگر نیز در فصل سلامت روانی قابل مشاهده است. مؤلف اموری را از منظر قرآن کریم مؤثر در سلامت روانی دانسته است؛ همچون ارتباط کلامی و غیرکلامی نیکو، سعه صدر، راستگویی و صبوری. ازسوی دیگر شرک، کفر و دروغ را از امور آسیب‌زننده به سلامت روان ذکر کرده است (همان، صص ۲۴۰ و ۲۴۲).

علاوه بر ضرورت تبیین مناسب برای چنین تأثیرهای ذکرشده، اینکه افراد کافر را دچار اختلال در سلامت روان بدانیم، مسئله‌ای ناپذیرفتنی است، مگر آنکه مؤلف، ابعاد اعتقادی را نیز در سلامت روان از منظر قرآن کریم مؤثر بداند.

۱-۵. کتاب «معناشناسی افسردگی از منظر قرآن»

کتاب معناشناسی افسردگی از منظر قرآن؛ پیشنهاد الگویی برای پژوهش‌های قرآنی در حوزه روان‌شناسی، عنوان کتابی است که به‌وسیله هادی بهرامی احسان، احمدرضا

اخوت و فاطمه فیاض نگاشته شده است. این پژوهش با هدف ارائه روشی نو در بررسی مفاهیم روان‌شناختی همچون اختلالات روانی در قرآن کریم انجام شده است که محوریت محتوایی کتاب در مورد گزاره‌هایی از قرآن بوده که در آن به اختلال افسردگی در سه بخش مقدمه‌ای (پیشایند)، لازمه‌ای (همایند) و نتیجه‌ای (پیامد) اشاره شده است. روش پژوهش پیشنهادی در این کتاب به منظور پژوهش‌های روان‌شناسی در قرآن کریم، به ترتیب بدین‌قرار است:

- طرح و تحلیل موضوع و تبدیل آن به مفاهیم در قالب واژه‌ها؛
 - معادل‌یابی واژگان قرآنی برای مفاهیم منطبق بر موضوع پژوهش؛
 - تحلیل معنای لغوی و فرآیندی واژگان قرآنی؛
 - یافتن آیات یا سوره‌های مربوط به واژگان و استخراج گزاره‌های متناسب با آن؛
 - دسته‌بندی گزاره‌ها و ارائه تعریف از افسردگی؛
 - تحلیل عقلی از دریافت‌های قرآنی؛
 - انطباق مطالب به دست آمده با آیات دیگر قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام و ارزیابی صحت و اعتبار آنها؛
 - انطباق حقایق به دست آمده با مصادیق آن (بهرامی احسان و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۹-۲۰).
- در پژوهش مذکور پنج سوره از قرآن کریم بررسی و بیان شده است که دارای واژگان مرتبط با اختلال افسردگی می‌باشد. واژه «سجین» در سوره مطففین، واژگان «غاشیه»، «خاشعه» و «عامله ناصبه» در سوره غاشیه، واژگان «ترهق»، «غبره»، «قتر» و «فرر» در سوره عبس و نیز واژگان «اضل اعمال»، «تعس» و «اصلاح بال» در سوره محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از واژگان متناظر با افسردگی در قرآن کریم برشمرده شده‌اند (همان).
- نقد و بررسی:** کتاب **معناشناسی افسردگی از منظر قرآن کریم**، از پژوهش‌های نو در حوزه روش‌شناسی مطالعات روان‌شناسی در قرآن کریم می‌باشد که ارائه روشی مرحله‌ای و



دقیق و سپس بررسی شواهد قرآنی در روش بیان‌شده از ویژگی‌هایی است که می‌تواند برداشت‌های روان‌شناختی از آیات قرآن کریم را تسهیل بخشد.

همچنین باتوجه به اینکه موضوع پژوهش این نوشتار، اختلال افسردگی است، در ابتدای پژوهش شاهد تبیینی کاربردی از اختلال مذکور در علم روان‌شناسی هستیم که این امر در شناخت حوزه‌های پژوهشی این اختلال در قرآن کریم مؤثر است.

در حوزه روشی و محتوایی پژوهش مذکور، نقدهایی وارد است که در ادامه بیان خواهد شد: در بخشی از روش پژوهش، پرسش‌هایی از قرآن کریم درباره موضوع پژوهش یعنی افسردگی، طرح شده است و پژوهشگران با مفروغ‌عنه گرفتن وجود مفهوم افسردگی در قرآن کریم، نخستین پرسش را در مورد واژگان افسردگی در قرآن مطرح کرده‌اند (همان، ص ۱۰)، حال آنکه پیش از هر پرسشی در پژوهش‌های روان‌شناختی در قرآن کریم، اصل وجود یا عدم وجود مفهوم روان‌شناختی مورد نظر در قرآن مورد تردید بوده که پژوهشگر لازم است ابتدا اصل وجود چنین مفهومی در قرآن کریم را اثبات کند.

همچنین در انتهای پژوهش، روایی سنجی محتوای کشف‌شده توصیه شده است و مؤلفان با اشاره به مؤید بودن آیات قرآن نسبت به یکدیگر، بیان داشته‌اند: «در صورتی که برای گزاره کشف‌شده از قرآن کریم، تأییدی از خود قرآن یافت نشود، باید به استنباط خود شک نموده و مراحل مؤلفه‌گیری از سر گرفته شود» (همان، ص ۱۸)، در حالی که عدم یافتن تأیید در قرآن کریم برای گزاره کشف‌شده از خود قرآن الزاماً به معنای نادرستی یافته‌های پژوهش نیست؛ زیرا برای بسیاری از برداشت‌های قرآنی جز از همان آیه مورد استفاده، نمی‌توان آیه دیگری را یافت که به آن مفهوم اشاره و آن را تأیید کند؛ در نتیجه صحت یک برداشت، به صحت روش و منابع تفسیری آن وابسته است و به‌منظور روایی سنجی محتوای آن نیز می‌توان با ارائه مستندات و گزاره‌های کشف‌شده به دیگر ادله معتبر معرفتی متناظر، از صحت برداشت خود مطمئن شد.

در بخش دیگری از کتاب مذکور به لغاتی از قرآن استناد شده است که به اختلال افسردگی اشاره دارند؛ البته این برداشت در مواردی صرفاً از برخی کتب لغوی قابل استفاده بوده و در قرآن کریم به آن معنا استعمال نشده است؛ برای نمونه واژه «سجین» که از نظر مؤلفان به معنای «حبس شدن همراه با محدودیت و تنگی» بوده و در نتیجه دلالت بر اختلال افسردگی دارد (همان، ص ۳۰)، در قرآن کریم به معنای دیگری استعمال شده است. برخی مفسران با توجه به دو آیه بعدی که خداوند متعال در صدد بیان مقصود از این واژه می‌باشد: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سَجِّينٍ * وَ مَا أَدْرَاكُ مَا سَجِّينٌ * كِتَابٌ مَّرْقُومٌ: چنین نیست که آنها [درباره قیامت] می‌پندارند، به یقین نامه اعمال بدکاران در سجّین است * تو چه می‌دانی سجّین چیست؟ * نامه‌ای است رقم زده شده و سرنوشتی است حتمی» (مطففین: ۹-۷)، منظور از «سجین» را کتاب جامعی دانسته‌اند که نامه اعمال انسان‌های بدکار به طور مجموعی در آن گردآوری شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۶، ص ۲۵۴). همچنین با توجه به احادیث متعدد تفسیری ذیل آیه شریفه، برخی منظور از «سجّین» را جهنم دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۲۹).

براین اساس اگرچه گوهر معنایی این واژه همان محدودیت، تنگی و پستی است، ولی آنچه پژوهشگر در این پژوهش‌ها در صدد یافتن آن است، معناشناسی افسردگی از منظر قرآن کریم می‌باشد، نه صرف آرای لغت‌شناسان؛ زیرا در موارد متعددی، به تناسب قراین گوناگون، منظور از عبارت آیه، با آنچه در کتب لغت برای آن واژه در نظر گرفته‌اند، متفاوت است؛ به همین دلیل اگرچه در معنای لغوی «سجّین» حبس و تنگی نهفته می‌باشد، ولی در قرآن کریم معنای دیگری اراده شده است. همچنان‌که در کتب لغوی «پوشیده شدن» را گوهر معنایی ریشه «کفر» دانسته‌اند و حال آنکه هیچ‌گاه این گوهر معنایی را نمی‌توان مقصود واژه «کفر» در قرآن کریم دانست.

از سوی دیگر در موارد متعددی دیده می‌شود که مؤلفه‌گیری از گزاره‌های قرآنی به جهت



اثبات اینکه به مفاهیم متناظر افسردگی اشاره دارند، با تردیدهای جدی روبه‌رو بوده و در مواردی با معنای آیه همخوانی ندارد؛ برای نمونه از آیه «وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ: و چون به سوی خانواده خود بازمی‌گشتند، مسرور و خندان بودند» (مطففین: ۳۱)، مؤلفه «انفعال در عواطف» برداشت شده است که همان نوسانات خلقی میان شادی و غم می‌باشد که اگر به مطلوب خود برسد، شاد و راضی و اگر نرسد، دچار حسرت و ناراحتی خواهد شد (بهرامی احسان و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳۶). اگرچه این افراد در دنیا طبیعتاً دچار اندوه و ناکامی نیز خواهند شد، اما آنچه صرفاً از آیه مورد نظر قابل استفاده است، شادی همراه با «تمسخر» آنهاست و غم و اندوه آنها به‌عنوان یکی از نشانگان افسردگی از این آیه قابل برداشت نخواهد بود.

نمونه دیگر در تعدادی از گزاره‌ها و الفاظ قرآنی دیده می‌شود که از آنها دو نشانه اساسی افسردگی یعنی «غمگینی» و «فقدان لذت» اتخاذ شده است؛ مثلاً از واژه «سَجِّين» که حبس شدن همراه با محدودیت، تنگی و پستی تعریف شده، نشانه‌های متعددی همچون غمگینی و فقدان لذت برداشت شده است (همان، ص ۴۰)، اگرچه شاید بتوان با دشواری، غمگینی ناشی از محبوس بودن را از این تعریف برداشت کرد، ولی مؤلفه فقدان لذت را نمی‌توان از مفهوم «سَجِّين» استفاده کرد.

همچنین نمونه دیگر را در سه لفظ «غاشیه»، «خاشعه» و «عامله ناصبه» می‌توان دید. مؤلفان بیان کرده‌اند که در تعریف فرآیندی این واژگان، نشانگان افسردگی همچون غمگینی، فقدان لذت، احساس پوچی، مشغولیت فکری، کسالت، ناامیدی و یأس به‌عنوان مقدمه، لازمه یا نتیجه معنایی این واژگان وجود دارد (همان، ص ۶۷)، اما تأمل در معانی این سه واژه نشان می‌دهد هیچ‌یک از دو عنصر اساسی افسردگی یعنی غمگینی و فقدان لذت از معانی این واژگان قابل برداشت نیست؛ زیرا بر اساس نظر عموم مفسران، «غاشیه» به معنای فراگیری هول و هیبت عذاب است، نه فراگیری غم و

اندوه که آن هم در قیامت رخ خواهد داد و «خاشعه» نیز به حالت ذلت و سرافکندگی اطلاق شده و عبارت «عامله ناصبه» بر اساس نظر بیشتر مفسران، به معنای خستگی و رنج می‌باشد که با قرینه سیاق ادامه آیه که بهشتیان را راضی از سعی خود در دنیا وصف می‌کند، این خستگی و رنج نیز در روز «قیامت» برای کفار ایجاد خواهد شد؛ در نتیجه با توجه به معانی ذکر شده برای این واژگان، نمی‌توان عناصر اساسی افسردگی را از آنها استفاده کرد.

در بخش‌هایی از کتاب، به تعمیم نتایج به دست آمده از گزاره‌های قرآنی پرداخته شده است که محل تردید و طرح پرسش‌های اساسی می‌باشد؛ برای نمونه پژوهشگران منظور از تکذیب در آیات «وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ * الَّذِينَ يَكْذِبُونَ بِبُيُوتِ الدِّينِ: وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان * همانها که روز جزا را انکار می‌کنند» (مطففین: ۱۰-۱۱) را تکذیب واقعیت‌ها در سطح باور انسان به‌ویژه روز قیامت دانستند (همان، ص ۳۵) و حال آنکه مقصود از تکذیب در آیه شریفه با توجه به تفسیری که خداوند در آیه بعدی آن ارائه داده است، تکذیب روز قیامت بوده و وجود روحیه تکذیب در واقعیت‌هایی فراتر از آیات الهی و روز قیامت، ادعایی است که از این آیات قابل استنباط نخواهد بود.

همچنین در راستای همین تعمیم‌دادن‌ها، اینکه همه کفار کم‌فروش که اوصاف‌شان در سوره مطففین آمده است، مبتلا به اختلال افسردگی یا دارای نشانگان آن دانسته شود (همان، ص ۴۶)، ادعای بزرگی است که در صورت صحت آن، نیازمند پژوهش‌های متقن‌تر و استدلال‌های قوی‌تری می‌باشد.

از سوی دیگر گزاره‌های موجود در سوره‌های مطففین، عبس، غاشیه و محمد ﷺ که مؤلفان به‌عنوان گزاره‌های مرتبط با اختلال افسردگی دانسته‌اند، از اوصاف افراد در روز قیامت است و باید ابتدا پیش از انتساب این گزاره‌ها به افسردگی، به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که آیا می‌توان حالات افراد در روز قیامت را به انسان‌های این دنیا تعمیم داد و



انسان‌های این دنیا را با نشانگان اختلال آنها سنجید؟ آیا اوصاف اهل محشر با اهل دنیا از یک سنخ و ماهیت است؟

نمونه دیگر تعمیم در سوره عبس است که اوصاف «غیره، ترهق، قتره و فرر» که متناظر با افسردگی دانسته شده، در قرآن کریم از اوصاف افراد کافرِ فاجر بیان شده است: «وُجُوهٌ یَوْمَئِذٍ عَلَیْهَا غَبْرَةٌ * تَرَهَّقُهَا قَتْرَةٌ * أُولَئِكَ هُمُ الْكُفْرَةُ الْفَجْرَةُ: و صورت‌هایی در آن روز غبارآلود است * و دود تاریکی آنها را پوشانده است * آنان همان کافران فاجرنده» (عبس: ۴۰-۴۲).

در اینجا این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا می‌توان این اوصاف را به انسان‌های مؤمن یا کفار غیر فاجر تسری داد؟ زیرا قائل شدن به این نوع تسری سبب شده است فرد مؤمن در صورت بروز نشانگان این نوع افسردگی در او، از سلک ایمان به سلک کفر فجوری درآید. همچنین این پرسش دوباره مطرح خواهد شد که آیا می‌توان همه کفار فاجر را که در قیامت چنین اوصافی دارند، دارای اختلال افسردگی دانست؟

۲. مورد پژوهی آثار اندیشمندان جهان عرب

در میان دانشمندان و پژوهشگران جهان عرب، کتب متعددی درباره روان‌شناسی از نگاه اسلام منتشر شده است که بخش عمده‌ای از آنها به مباحث روان‌شناسی در قرآن کریم اشاره دارند. در ادامه برخی از این کتب معرفی و سپس نقد و بررسی خواهند شد.

۲-۱. کتاب «الإعجاز النفسی فی القرآن الکریم»

کتاب الإعجاز النفسی فی القرآن الکریم، نوشته عبدالرحمن ابوالسعود از اندیشمندان دانشگاه اردن می‌باشد که مباحث متعددی را در مورد اعجاز روان‌شناختی قرآن کریم بیان کرده است.

وی در کتاب مذکور به اثر موسیقایی قرآن کریم در جان انسان‌ها و هدایت آنها به

پذیرش اسلام، به‌عنوان نخستین مباحث مطرح‌شده در کلام قدما در مورد اعجاز روان‌شناختی قرآن کریم اشاره کرده است. اندیشمندانی همچون خطابی و باقلانی نمونه‌هایی از این دانشمندان اسلامی‌اند که این اثرگذاری قرآن کریم را مطرح کرده‌اند (ابوالسعود، ۲۰۰۵، صص ۳۲ و ۳۴).

وی افزون بر اینکه نفس آدمی را از منظر آیات قرآن نگریسته و آیاتی را در مورد رذایل نفسانی انسان همچون حسد و حب دنیا تبیین کرده، اثرات روان‌شناختی عباداتی همچون نماز، روزه، زکات و دعا را در انسان‌ها بررسی کرده است؛ برای نمونه نماز را مایه نشاط و آسایش کامل برای انسان و نیز ایجاد یک سلوک جدید برای آدمی دانسته است (همان، ص ۱۵۹).

در بخش پایانی کتاب نیز به اثرات حدود و برخی مجازات‌های شرعی اشاره می‌کند و این عقوبت‌های شرعی را همچنان‌که دارای اثر در روان مجرم می‌داند، بر افراد یک جامعه دارای اثر روان‌شناختی دانسته است (همان، ص ۲۰۲).

نقد و بررسی: به‌رغم اینکه در کتاب مذکور از نظرات اندیشمندان غربی در موارد اثبات اعجاز روان‌شناختی قرآن کریم همچون فواید روان‌شناختی عبادات در اسلام استفاده شده است، ولی مؤلف در اغلب موارد از شواهدی معتبر اعم از تجربی و غیرتجربی در جهت اثبات نظریات و تبیین‌های خویش استفاده نکرده است؛ در نتیجه یکی از خلأهای پژوهش مورد بحث، وجود گفتارهایی بدون دلیل یا آوردن نظریات اندیشمندان اسلامی و غربی در جهت اثبات مدعاست که البته در جهت اثبات مدعا در روان‌شناسی قرآنی، دلیل معتبری نخواهند بود.

بخش دیگری از کتاب که به بیان رذایل نفسانی همچون غضب، حسد و یأس از منظر آیات قرآن کریم پرداخته شده، شامل آیاتی است که پژوهشگر به‌عنوان درمان این رذایل بدان اشاره کرده است. در این بخش نیز در موارد متعددی دیده می‌شود که آیات مرتبط با

موضوع مورد نظر را می‌آورد و آنان را به‌عنوان راه درمان رذیله مورد نظر ذکر می‌کند؛ برای نمونه یکی از راه‌های درمان «خشم» را به‌استناد آیه «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ: کسانی که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از مردم درمی‌گذرند و خداوند نکوکاران را دوست دارد» (آل‌عمران: ۱۳۴)، «كُظِمَ غَيْظٌ» می‌داند و راه دیگر را نیز به‌استناد آیه «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ: گذشت پیشه کن و به [کار] پسندیده فرمان ده و از نادانان رُخ برتاب» (اعراف: ۱۹۹)، «حلم» دانسته است و هریک از دو لغت «كُظِمَ غَيْظٌ» و «حلم» را از منظر لغوی بررسی کرده و این دعوت خداوند به كُظِمَ غَيْظٌ و حلم را راه درمان آن نامیده است (همان، ص ۱۲۰).

روشن است که به صرف بیان آیه و توضیح آن نمی‌توان مدعی درمان حالت نفسانی مهمی همچون غضب شد و اینکه آیا استناد چنین راه درمانی به خود قرآن کریم صحیح است یا خیر، مطلب دیگری است که پژوهشگر باید از صحت استناد آن مطمئن شود.

۲-۲. کتاب «القرآن؛ أصل التربية و علم النفس»

کتاب **القرآن؛ أصل التربية و علم النفس**، توسط احمد جهان‌الغورتیه در شهر لیماسول قبرس به چاپ رسیده است. مؤلف در مقدمه کتاب، هدف خود از نگارش کتاب مذکور را تحول در دانش روان‌شناسی و کشف اصول این دانش از قرآن دانسته است؛ به‌همین دلیل با رویکرد تربیتی به قرآن کریم نگریسته و پس از بیان انواع تعاریف «نفس» در قرآن، به استخراج و تبیین تعدادی از قواعد روان‌شناسی تربیتی از نگاه قرآن کریم پرداخته است. یکی از قواعد مذکور، قاعده تدریجی بودن تربیت است که در جریان تحریم شرب خمر دیده می‌شود؛ زیرا از آنجا که شرب خمر در زمان جاهلیت به یک عادت اجتماعی تبدیل شده بود، تحریم دفعی آن شایسته نبود و قرآن کریم بر اساس مدارا این حکم را

به تدریج و با آیات گوناگون در زمان‌های متفاوت بیان کرد (الفورتیه، ۱۹۹۴، ص ۱۶).
 از سوی دیگر مؤلف پس از بیان ویژگی‌های روانی افراد مُسن از نظر علم روان‌شناسی
 همچون شدت حساسیت و عدم تغییر نظرات آنان، توصیه قرآن کریم در مورد احترام و
 تواضع در برابر آنها را در همین راستا دانسته است (همان، ص ۱۵۵).

نقد و بررسی: آنچه در کتاب مذکور مشاهده می‌شود، استفاده از نظریات قرآن و
 نظریات علم روان‌شناسی در کنار یکدیگر است و به روشنی دیده می‌شود که مؤلف از
 نظریات دانشمندان روان‌شناسی که با قواعد قرآنی مرتبط بوده، غفلت نموده و به مناسبت
 به آنها اشاره کرده است؛ به همین دلیل دیده می‌شود که حتی در تبیین برخی نکات
 روان‌شناختی قرآن همچون عدم رنجاندن آنها در سنین پیری: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا
 إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَ لَاتَنْهَرْنِيهُمَا وَ
 قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا: و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرسیتید و به پدر و مادر [خود]
 احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند، به آنها [حتی]
 أُف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخن شایسته بگو» (اسراء: ۲۳)، از نظریات
 روان‌شناختی استفاده کرده است. این رویکرد را یک رویکرد تفسیری در تبیین آیات
 روان‌شناختی قرآن کریم می‌توان دانست؛ البته در صورتی که از یافته‌های علمی
 اطمینان‌بخش استفاده شود.

۲-۳. کتاب «القرآن والصحة النفسية»

کتاب **القرآن والصحة النفسية** نوشته جمال ماضی أبوالعزائم از اساتید دانشگاه الأزهر
 قاهره می‌باشد. بیان اعجاز علمی قرآن، تبیین روان‌شناختی مباحث تعلیمی و تربیتی
 قرآن و نیز بررسی آثار روان‌شناختی فرایض و عقاید دینی در انسان‌ها، عمده
 مباحث این کتاب است.

در بخشی از کتاب، آوردن لفظ «طائر» در آیه «وَ كُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا: و هر انسانی اعمالش را بر گردنش آویخته‌ایم و روز قیامت، کتابی برای او بیرون می‌آوریم که آن را در برابر خود گشوده می‌بیند» (اسراء: ۱۳) را یکی از اعجازهای علمی قرآن کریم معرفی کرده و منظور از لفظ مذکور را یکی از سلول‌های عصبی گردن انسان دانسته است (ابوالعزائم، ۱۴۱۴، ص ۸).

همچنین در بخشی دیگر از کتاب، مؤلف بر اساس آیاتی همچون «وَ لَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَ كُنَّا بِهِ عَالِمِينَ: ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم و از [شایستگی] او آگاه بودیم» (انبیاء: ۵۱) و «یا یحیی خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْنَاهُ الْحِكْمَ صَبِيًّا: ای یحیی! کتاب [خدا] را با قوت بگیر و ما فرمان نبوت [و عقل کافی] در کودکی به او دادیم» (مریم: ۱۲)، آغاز تعلیم و تربیت را از سنین کودکی لازم و نظریات دانشمندان روان‌شناسی را نیز با این نظریه قرآنی موافق دانسته است. او نظریه آغاز تکوین شخصیت از روزهای اول کودکی که در علم روان‌شناسی مطرح شده را مؤیدی بر این نظریه قرآنی می‌داند (همان، ص ۳۲).

در یکی از فصول کتاب دیده می‌شود که مؤلف، فرایضی همچون وضو، نماز، روزه، زکات و حج را ذکر می‌کند و برای هر یک فواید جسمی و روحی متعددی برمی‌شمرد؛ برای نمونه وضو برای نماز صبح را سبب نشاط روزانه و انرژی بزرگی برای انسان دانسته است که این نشاط با تجدید وضو برای نمازهای یومیه استمرار می‌یابد (همان، ص ۵۸).

نقد و بررسی: این کتاب با رویکرد روان‌شناختی و البته در برخی موارد با رویکرد پزشکی به آیات قرآن کریم نگریسته و با استفاده از نظریات علم روان‌شناسی به تبیین و تأیید برداشت‌های روان‌شناختی از قرآن پرداخته است، ولی در برخی موارد تطبیق‌های نادرستی دارد؛ برای نمونه اینکه منظور از «طائر» در آیه ۱۳ سوره اسراء، سلول‌های عصبی باشد، نه با سیاق آیه که به یکی از مواقف قیامت یعنی دادن نامه عمل به انسان اشاره دارد، سازگاری دارد، نه با روایات تفسیری ذیل آیه که مقصود از آن را مقدرات انسان دانسته است.

ازسوی دیگر تعدادی از تحلیل‌های روان‌شناختی موجود که به اثرات روان‌شناختی فرایض دینی پرداخته است، بدون استناد بوده و به‌همین دلیل پذیرش و اطمینان به اثرات بیان‌شده را با خدشه روبه‌رو می‌سازد.

البته عدم نام‌بردن از دانشمندانی که از نظریات آنها استفاده شده است یا عدم اشاره روشن به نظریات استنادشده در برخی مباحث، از دیگر خلأهای موجود در این کتاب می‌باشد.

۲-۴. کتاب «القرآن و علم النفس»

کتاب **القرآن و علم النفس**، اثری است که به‌وسیله یکی از پیشگامان عرصه روان‌شناسی اسلامی باعنوان محمد عثمان نجاتی نگاشته شده است. وی استاد پیشین روان‌شناسی در دانشگاه‌های قاهره، کویت و عربستان است و در این کتاب به مباحثی همچون انگیزش، عواطف، تعلیم و شخصیت در اسلام می‌پردازد و در هر مبحثی به بیان ریزموضوعات فراوان و آیات متناسب با آنها پرداخته است که نشان از تتبع بسیار نویسنده دارد.

در بخش ابتدایی کتاب به مبحث انگیزه در قرآن کریم پرداخته است که البته ذیل بحث انگیزش در روان‌شناسی معاصر، به انگیزه‌های جدیدی نیز بر اساس آیات متعدد قرآن اشاره کرده است؛ برای نمونه بیان می‌دارد که بر اساس آیات ذیل، سه انگیزه حفظ ذات (شامل: انگیزه گرسنگی، تشنگی و اجتناب از حرارت و برودت زیاد)، حفظ بقا و حفظ تملک را می‌توان استخراج کرد:

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِرِجْزِكَ فَلَا يَخْرُجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْتَقِيَ * إِنَّ لَكَ أَلًا تَجُوعُ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى * وَ أَنْكَ لَا تَطْمَأُ فِيهَا وَ لَا تَضْحَى * فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَائِلِي: پس گفتیم: ای آدم! این [ابلیس] دشمن تو و همسر توست! مبادا شما را از بهشت بیرون کند که به زحمت و رنج خواهی



افتاد * برای تو این است که در آن گرسنه و برهنه نخواهی شد * و در آن تشنه نمی‌شوی و حرارت آفتاب آزارت نمی‌دهد * ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید و ملکی بی‌زوال راهنمایی کنم؟ (طه: ۱۱۷-۱۲۰/نجاتی، ۲۰۰۱، ص ۳۰).

در بخش دیگری از کتاب که به انفعالات و عواطف انسانی پرداخته است، مباحثی را با عنوان تسلط بر برخی انفعالات همچون حبّ و بغض بیان می‌کند که اگرچه مستند برخی راه‌حل‌های تسلط بر غضب بیان نشده است، ولی در ادامه به آیاتی که دعوت به کظم غیظ می‌نماید، اشاره کرده است (همان، ص ۱۱۷).

در بخشی از کتاب به انواع نفوس در قرآن همچون نفس اماره، لوامه و مطمئنه اشاره شده است و این سه حالت نفسانی را مانند اقسام سه‌گانه شخصیت فروید (نهاد، ایگو و سوپر ایگو) دانسته است که البته در ادامه بیان می‌کند که تفاوت‌های متعددی میان انواع نفوس در قرآن کریم و نظریه شخصیت سه‌گانه فروید وجود دارد. او معتقد است برخلاف نظریه شخصیت فروید که مرحله‌ای بوده و از طفولیت آغاز می‌شود، نفوس سه‌گانه در قرآن کریم به حالات گوناگون نفس اشاره دارد که در مراحل رشد نمی‌گنجد (همان، ص ۲۳۴).

نقد و بررسی: کتاب **القرآن و علم النفس** به دلیل بیان آیات فراوان مرتبط در زمینه‌های روان‌شناسی اسلامی و نیز آوردن موضوعات فرعی بسیار در عناوین مطرح‌شده، کتابی ستودنی است و در نتیجه برای پژوهشگران این عرصه نقطه آغاز پژوهش‌های گوناگونی می‌تواند باشد تا هریک از این آیات را با نگاه روان‌شناختی بررسی کنند، اما آنچه در بسیاری از مباحث مطرح‌شده دیده می‌شود، صرف بیان سلسله‌وار آیات متناسب در هر زمینه بوده و از شرح و تفسیر آیات غفلت شده است؛ گویا مؤلف وظیفه خود را اثبات وجود چنین مباحثی در قرآن کریم دانسته است. البته همین امر در جای خود امری ضروری است، ولی نباید به همین مرحله اکتفا کرد. فهم روان‌شناختی از آیات قرآن کریم،

امری فراتر از استفاده‌های سطحی از آیات است.

یکی از روش‌های مؤلف در کشف آیات مرتبط با هر موضوع این است که علاوه بر آوردن آیاتی که دارای کلیدواژه و اصطلاح مخصوص مبحث مورد نظر است، از آیاتی که از نظر محتوایی به مبحث مورد نظر اشاره کرده‌اند نیز استفاده شده است. البته این روش، دایره استفاده روان‌شناختی از قرآن کریم را بیشتر خواهد کرد؛ برای نمونه در مبحث انفعالات نفسانی، به «تکبر» به عنوان یکی از این انفعالات اشاره می‌کند و علاوه بر اینکه به آیه «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّاْ رُؤُوسَهُمْ وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ: هنگامی که به آنان گفته شود بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند، سرهای خود را تکان می‌دهند و آنها را می‌بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می‌ورزند» (منافقون: ۵) که در آن از کلیدواژه «استکبار» استفاده شده است، اشاره می‌کند، از آیه «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى: و گفت من پروردگار برتر شما هستم» (نازعات: ۲۴) که به گفته متکبران فرعون اشاره دارد، بهره برده است (همان، ص ۱۰۷).

۲-۵. کتاب «الإشارات النفسية في القرآن الكريم»

کتاب *الإشارات النفسية في القرآن الكريم*، نوشته لطفی الشربینی روان‌پزشک و استاد دانشگاه اسکندریه مصر است. وی در این کتاب بسیاری از موضوعات روان‌شناسی را از منظر آیات قرآن کریم بررسی کرده و به مباحثی همچون انسان در قرآن، نفس در قرآن، اشارات روان‌شناختی قصص قرآنی، امراض روان‌شناختی، روان‌شناسی پول، مسائل سالخوردگی، اسلام و حقوق بیماران روانی و درمان روان‌شناختی در قرآن پرداخته است. مؤلف در بخشی از کتاب به برخی از انواع اضطراب نیز اشاره می‌کند که اضطراب پول نمونه‌ای از آن است. پژوهشگر راه برطرف کردن این اضطراب را «اعتدال» دانسته است؛ بدین معناکه تلاش برای کسب مال از طریق مشروع، مشکل‌ساز نیست، بلکه عدم اطمینان



به رزق مقدر و حرص می‌تواند اضطراب را به همراه داشته باشد؛ به همین دلیل در قرآن کریم رزق انسان از مقدرات الهی دانسته شده است (شربینی، ۲۰۰۸، ص ۲۳۱).

همچنین در بخش پایانی کتاب، به اثرات برخی عبادات همچون نماز و دعا در سلامت روان اشاره می‌کند و نظریات برخی دانشمندان در این باره را بیان می‌دارد؛ برای نمونه تمرکز فکری ایجاد شده در فرآیند نماز را در برطرف نمودن اضطراب و خوف مؤثر دانسته است (همان، ص ۳۸۹).

نقد و بررسی: کتاب *الإشارات النفسية* از کتبی است که به دلیل روان‌پزشک بودن مؤلف، علاوه بر وجود نگاه روان‌شناختی، رویکرد طبی نیز در سراسر آن به دید می‌آید و مفاهیم فیزیولوژیکی نیز در آن اشاره شده است. البته در برخی موارد اختلالاتی همچون فوبیا و اسکیزوفرنی را بدون پرداختن به اشارات قرآنی آن مطرح کرده و به تفصیل شرح داده است. همچنین ارائه راه حل در کتاب و اشاره به برخی تحقیقات و نظریات اندیشمندان در این باره از دیگر نقاط دارای اهمیت در پژوهش مذکور است.

مخاطب در ابتدای کتاب با مقدمه‌ای روبه‌رو می‌شود که مؤلف، نظریات روان‌شناسی معاصر را با دیدگاه‌های روان‌شناختی قرآن کریم مقایسه و نظریات روان‌شناسی معاصر را به دلیل بشری بودن، محتمل‌الخطا دانسته و در برابر آن روان‌شناسی قرآنی را به دلیل انتساب آن به وحی، واجب‌الاتباع دانسته است (همان، ص ۱۷).

این مطلب قابل‌خدشه است؛ زیرا برداشت‌های روان‌شناختی از آیات قرآن کریم توسط بشر صورت گرفته و وجود خطا در این فهم نیز محتمل است و شاهد آن تطبیق‌های نابجای برخی آیات به فرضیات علمی توسط برخی مفسران است؛ به همین دلیل اگرچه برخلاف نظریات تجربی که منبع آن تجربه خطاپذیر بشر است، منبع نظریات مفسران، کلام الهی است که صحت آن مورد اتفاق مسلمانان می‌باشد، ولی عدم توجه به روش و قواعد صحیح تفسیری، برداشت‌های اشتباه را از آیات قرآن کریم می‌تواند به وجود آورد.

نتیجه

در مورد کتب بررسی شده در میان اندیشمندان ایرانی باید ذکر کرد که در میان اندیشمندان ایرانی که متخصص در حوزه‌های معارف اسلامی و روان‌شناسی اند، آثار متعددی درباره آموزه‌های روان‌شناختی از قرآن کریم نگاشته شده که به برخی از سرآمدهای آنان اشاره شد. برخی از کتب مذکور مملو از آیات روان‌شناختی است که می‌تواند مبدأ پژوهش‌های متعددی در این حوزه قرار گیرد. همچنین استفاده از منابع تفسیری همچون احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و آرای مفسران در جهت فهم بهتر از آیات روان‌شناختی، از دیگر نکات مهم در این پژوهش‌هاست.

این پژوهش‌ها از سه جنبه «رویکرد»، «روش» و «محتوا» قابل نقد و بررسی است:

۱. **رویکرد:** آنچه در برخی پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی دیده می‌شود، نگاه ستیزه‌جویانه با روان‌شناسی غربی است که البته به‌رغم آنکه برخی انتقادات به مبانی و آموزه‌های روان‌شناسی معاصر پذیرفته شده است، ولی یافته‌های مفید بسیاری در علم روان‌شناسی وجود دارد که بعضی از آنها می‌تواند آغازی برای پژوهش‌های روان‌شناختی در منابع اسلامی بوده و حتی در تبیین آیات و احادیث روان‌شناختی مؤثر باشد.

۲. **روش:** از نظر روشی، جز اندکی از پژوهش‌ها که محقق به مبانی و روش تحقیق خود اشاره کرده است، دیده می‌شود که در اغلب موارد به روش پژوهش در حوزه فهم روان‌شناختی از قرآن کریم، نه به صورت مجزا و نه در ضمن یافته‌ها اشاره نشده است. همچنین در برخی مؤلفه‌یابی‌ها از واژگان قرآنی به‌عنوان یک روش فهم روان‌شناختی از آیات، وزن‌دهی بیشتر به نظرات لغت‌شناسان در معنای واژه و عدم توجه به سیاق و نظرات مفسران قابل مشاهده می‌باشد که این امر به برداشت‌های ناقص از گزاره‌های قرآنی منجر شده است.

۳. **محتوا:** یکی از مسائلی که نیازمند توجه بیشتر محققان این حوزه است، عدم اکتفا



به برداشت‌های سطحی از آیات روان‌شناختی و در مقابل، عمیق‌شدن در آیات و تفسیر آنان می‌باشد. همین برداشت‌های گذری از آیات سبب شده است مخاطب در موارد متعددی نتواند ارتباط میان آیه مورد نظر و برداشت روان‌شناختی مؤلف از آن آیه را به‌درستی دریابد و قانع شود. همچنین در برخی مفاهیم روان‌شناختی قرآن کریم همچون «رشد» در دوران کودکی و نوجوانی، خلأ پژوهشی بسیاری یافت می‌شود که همین امر سبب شده است به‌جای پرداختن به رشد روانی در این دوران، به رشد جسمی در دوران کودکی اشاره شود.

اما درباره کتب بررسی‌شده در میان جهان عرب باید گفت در مجامع علمی عرب‌زبان خصوصاً دانشگاه قاهره، پژوهش‌های فراوانی درباره روان‌شناسی قرآنی انجام شده است که به تعدادی از آنها اشاره شد، ولی آنچه خلأ آن در اغلب این پژوهش‌ها احساس می‌شود، عدم پرداختن به روش فهم یا طریقه برداشت روان‌شناختی از آیات قرآن کریم است و برخی پژوهش‌ها همچون **معناشناسی افسردگی از منظر قرآن کریم**، اگرچه دارای مباحث روشی است، ولی ناظر به مفهوم‌شناسی و بررسی لغت از منظر لغت‌شناسان بوده و صرفاً تدبیری از برخی آیات روان‌شناختی صورت گرفته و به روش‌های مرحله‌ای با لحاظ مبانی تفسیری اشاره‌ای نکرده است.

همچنین اگر به آیات روان‌شناختی قرآن کریم اشاره می‌شود، عموماً آیاتی است که از کلیدواژه‌های روان‌شناختی برخوردار یا محتوای مرتبط با موضوع روان‌شناختی دارند و حال آنکه در قرآن کریم حتی از آیاتی که به‌ظاهر هیچ ارتباطی با موضوع مورد نظر ندارند، می‌توان برداشت‌های روان‌شناختی کرد.

البته وجود آیات مرتبط با موضوعات روان‌شناختی که در این پژوهش‌ها به‌وفور یافت می‌شود، می‌تواند برای پژوهشگران روان‌شناسی اسلامی به‌مثابه دایرةالمعارفی کاربردی به‌منظور انجام پژوهش‌های مرتبط در حوزه روان‌شناسی قرآنی قرار گیرد.

ازسوی دیگر در پژوهش‌های ذکرشده، برداشت‌های روان‌شناختی جدیدی از آیات



قرآن کریم به دید می آید، ولی این امر در بیشتر موارد به تطبیق میان یافته‌های علم روان‌شناسی با آیات قرآن کریم اختصاص دارد که محقق درصدد اثبات اعجاز علمی قرآن است و حال آنکه برداشت‌های روان‌شناختی از قرآن کریم به تطبیق و تأیید یافته‌های علمی محدود نیست و تولید محتوای جدید از اساسی‌ترین برداشت‌های روان‌شناختی از قرآن کریم می‌باشد.

همچنین نکته مهم اینکه آنچه از تفسیر روان‌شناختی قرآن کریم انتظار می‌رود، برداشت‌های عمیق و تفسیر آیات روان‌شناختی است، در صورتی که در پژوهش‌های ذکرشده، در بسیاری موارد یا صرفاً به آوردن آیات مرتبط اکتفا شده یا برداشت‌های سطحی و گذرا از آیات قرآن کریم شده است.

منابع

۱. آل اسحاق خوئینی، محمد؛ اسلام و روان‌شناسی؛ قم: مؤلف، ۱۳۶۹.
۲. ابوالسعود، عبدالله علی؛ الإعجاز النفسی فی القرآن الکریم؛ اردن: جامعة الأردنیه، ۲۰۰۵ م.
۳. ابوالعزائم، جمال ماضی؛ القرآن والصحة النفسية؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱۴۱۴ ق.
۴. بهرامی احسان، هادی و همکاران؛ معناشناسی افسردگی از منظر قرآن؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
۵. شجاعی، محمدصادق؛ روان‌شناسی در قرآن و حدیث؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.
۶. شربینی، لطفی؛ الإشارات النفسية فی القرآن الکریم؛ اسکندریه: منشأة المعارف، ۲۰۰۸ م.
۷. صادقیان، احمد؛ قرآن و بهداشت روان؛ قم: زمزم هدایت، ۱۳۸۹.
۸. الفورتیه، احمد جهان؛ القرآن؛ أصل التریبة و علم النفس؛ لیماسول (قبرس): دارالملتقى للطباعة و للنشر، ۱۹۹۴ م.
۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی؛ تفسیر الصافی؛ تهران: مکتبة الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. کاویانی، محمد؛ روان‌شناسی در قرآن؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۲. نجاتی، محمد عثمان؛ القرآن و علم النفس؛ قاهره: دارالشروق، ۲۰۰۱ م.

